

پشت جبهه

سلطنت گروگان

—پانزدهم—

طرح هنری پرشت در مسیر مقبولیت!

امیر فیض- حقوقدان

هرگاه که انسان کاری را میخواهد انجام بدهد که فاقد مشروعیت است (مشروعیت به معنای کلی حق است اعم از قانون و یا حقوق بنیادی و با مقررات شرع) با استفاده از طریق مقبولیت، آن کار را جلو میبرد در واقع میتوان گفت که مقبولیت پوششی است برای اجازه حرکت فکر و یا کاری که فاقد مشروعیت است.

مقبولیت به این معناست که کار و یا موضوعی مورد قبول عده ای از مردم قرار گرفته است؛ هر چند این قبول، سبب ایجاد حق و یا مشروعیت نمیگردد ولی واجد موقعیتی میگردد که جواز عبور و یا ورود به افکار و یا جوامع را دارا میگردد.

مثالهایی آورده شود بجاست:

همین استشهادی که مرسوم است و افراد برای احراز صلاحیت خودشان در راستکاری، به امضای معتمدین محل میرسانند، نوعی ایجاد مقبولیت است که به اعتبار امضا و شهادت اهل محل، آن شخص و اعتبار و درستی او قابل قبول شناخته میشود.

نمونه سیاسی

در سال ۸۵ سیاست آمریکا متوجه ایجاد مقبولیت برای رفراندوم و تعیین رژیم کشور ما بود؛ این معرکه که با الطبع نمیتوانست متوجه نظام پادشاهی گردد و ایجاد نوعی مشروعیت برای شورش ۵۷ بود آقایان نصر اصفهانی و باتمانقلیچ در کنگره ای که بنام کنگره واشنگتن معروف شد طرح را برای ارجاع رژیم کشور ایران به رفراندوم به امضای افرادی رساندند که در صدر همه، آقای اصلان افشار قرار داشت، شخصی که در طول ۲۷ سال کوچکترین اقدام مبارزاتی از ایشان دیده نشده است یکباره سکان دار طرح لاتاری گذاشتن سلطنت شدند.

حضور عده ای امضا کننده آن بیانیه از جمله آقای افشار، زبان منتقدین را کوتاه میکند و در مقابل نام اشخاص مشهور و خوشنام که به آن بیانیه مقبولیت داده اند دست بسته میشوند؛ و بعبارت دیگر به احترام آن اشخاص، طرح را در موقعیت نزدیک به قبول میشناسند.

نمونه سیاسی دیگر شورای تجزیه طلبان

قطعنامه شورای تجزیه طلبان به اعتبارماده ۱۱ آن فاقد مشروعیت و سندی است مخالف استقلال و تمامیت ارضی ایران ولی وقتی قطعنامه آن به امضا اعلیحضرت و علیاحضرت و حتی همسر اعلیحضرت رسید به اعتبار امضای آن شخصیت ها و قرارگرفتن در مقام قبول آنها، گرچه فاقد مشروعیت است ولی به جریان می افتد که افتاده است.

نمونه دیگر

در سالهائی که مهرداد خوانساری گرفتار آن بی آبرویی سردار مدعی نشده بود گفته بود: <رضاپهلوی مشروعیت دارد اما مقبولیت ندارد؛ او بیش از ۲ درصد مقبولیت ندارد ما باید بفکر خودمان باشیم> (از خاطره)

نتیجه آنکه مقبولیت هیچگاه جایگزین مشروعیت و حق نمیگردد در حقوق اسلامی هم این تضمین وجود دارد که اگر همه عالم امری را صحه بگذارند که خلاف شرع باشد آن مقبولیت تاثیری در ایجاد مشروعیت ندارد.

واما بعد مقبولیت در طرح هنری پرشت

از آنجا که طرح هنری پرشت بکل فاقد اعتبار و مشروعیت است و اساسا با اعلامیه جهانی حقوق بشر و حتی قانون اساسی آمریکا هم مغایرت آشکار دارد و بجزریان افتادن آن در مورد حقوق سیاسی و لیعهد ایران امری خودسرانه و بدور از ملاحظات حقوقی است و لاجرم همواره میتواند مورد اعتراض ایرانیان و حتی اعلیحضرت در محاکم قانونی قرارگیرد و اجرای چنین طرحی علاوه بر آنکه فرودست در معارضه حق است اساسا نمیتواند در جامعه سیاسی ایران رشد و رسوب لازم را بدست آورد، لذا وزارت خارجه آمریکا به راه تامین مقبولیت برای طرح مزبور متوسل شد، و این تحریر و سنگینی آن متوجه همین نکته مهم یعنی کیفیت ایجاد مقبولیت برای طرح مزبور است.

کیفیت اجرائی مقبولیت

مسیری را که وزارت خارجه آمریکا برای تحصیل مقبولیت نسبت به طرح هنری پرشت برگزید ترتیب دادن فراخوان بود؛ تا از طریق فراخوان های متعدد با موضوعاتی که بهرحال در راستای ایجاد اعتبار برای طرح هنری پرشت از طریق مقبولیت بود، پایه های سست طرح را مستحکم سازد.

طرح آزادی ایران

طرح آزادی ایران بمنظور حمایت از اپوزیسیون ایران در سال ۲۰۰۴ در کنگره آمریکا بتصویت رسید. دو سناتور آمریکائی بنام های ریک سنتورم و جان کرتان از پنسلوانیا طراحان این طرح بودند که این طرح در تاریخ ۱۶ ژوئیه همان سال بتصویت رسید.

براساس طرح مزبور رئیس جمهوری آمریکا موظف شد تا حد اکثر ۹۰ روز یک گروه اپوزیسیون داخل ایران را که از نظر آمریکا واجد شرائط هستند معرفی کند و ۱۵ روز قبل از معرفی این گروه کمیسیون های روابط خارجی و بودجه سنا و مجلس نمایندگان آمریکا را در جریان بگذارد. اعتبار مالی برای این طرح ۱۰ میلیون دلار میباشد و بمنظور هماهنگی بین نهادهای مختلف دولتی آمریکا، رئیس جمهور یکی از اعضای ارشد شورای امنیت ملی آمریکا را بعنوان دستیار ویژه خود در امور ایران منصوب میکند و بودجه طرح از منابع مالی طرح مرسوم به مشارکت خاورمیانه و صندوق دولتی برای دموکراسی تامین میشود. در این طرح همچنین آمده است؛ ایالات متحده آمریکا بایستی بیش از پیش روابط خود را با گروه اپوزیسیون در ایران افزایش دهد و مقامات رسمی و سیاسی دولت آمریکا باید با قدرت و جدیت از تلاشهایی که داخل ایران برای برگزاری رفراندوم میشود حمایت کند.

در توضیح طرح آمده است؛ سال گذشته نیز کنگره آمریکا با تصویب طرح سناتور سم برنیک مبلغ ۵۶ میلیون دلار برای حمایت مالی از رسانه ها و مطبوعاتی که در راه رفراندوم در ایران حمایت میکنند اختصاص داد؛ درباره حمایت ایران از تروریسم و تولید سلاحهای گشتار جمعی تکرار شده است و نیز شبکه های رادیو تلویزیونی طرفدار دموکراسی در ایران میتوانند از منابع ملی این طرح استفاده نمایند در این طرح دیدگاه های پیشین آمریکا اشاره شده است

(کیهان لندن شماره ۱۰۱۶ - فتوکپی در سنجر ۳۳۲+۴۱۴)

دستآورد

اول حواشی طرح

نخستین دریافت از طرح آزادی ایران این است که تا آن زمان یعنی سال ۲۰۰۴ هیچ فعالیت چشم گیری در صحنه های بازی فراخوان دیده نمیشد؛ ولی پس از آنکه طرح آزادی ایران که متضمن بودجه مالی بود بتصویب کنگره رسید از هر گوشه و کنار مبارزه ایرانیان، فعالیت فراخوانی آغاز به کار کرد.

از باب نمونه

قبل از آنکه موضوع فراخوان ها از سوی ایرانیان مطرح شود، قبلا در دستور کار وزارت خارجه آمریکا قرار گرفته بود که به کنگره کشیده شد و بصورت قانون و ایجاد تکلیف برای رئیس جمهوری آن کشور منجر گردید.

توضیح اینکه در امرداد سال ۱۳۸۳ ایرانیان آگاه شدند که دولت آمریکا قانونی برای حمایت و تامین هزینه های رفراندوم بتصویب رسانده است؛ در آذر ماه همان سال یعنی بفاصله ۴ ماه از تصویب طرح کمک و انجام رفراندوم در ایران (قانون آزادی ایران) یکبار فعالیت رفراندوم ۶۰ میلیون دات کام آغاز شد آنها با چه حرکت وسیع و امید واری مطلق و تشکیل جلسات جهانی (از جمله استکهلم) در حدی که اعلیحضرت هم به موفقیت و کارائی آن سخن گفتند.

آقای سیاوش آذری در برنامه خودشان اظهار نظر کرده بودند <حالا ما سلطنت طلبان اگر صدای شاه را بشنویم که او این فراخوان را تائید میکند ۷۰ میلیون امضا میگذاریم> (از سنجر شماره ۳۳۲+۴۱۶)

****** داستان استقبال ایرانیان از قانون آزادی ایران یک امر فوق العاده ای نیست در همه جای دنیا وقتی درجانی بودجه ای و پولی سراغ شود همه فعالیت ها چه تجاری و یا سیاسی برای دست انداختن روی آن پول بحرکت درمیآید. برخی که خیلی زیرک و کارکشته هستند خودشان طرح هائی به دولت های خارجی میدهند که مجری آن و یا بخشی از اجرای آن محول خود آنها گردد و ازاین راه به هدف سود آوری خودشان برسند. .

****** همانطور که در طرح آزادی ایران ملاحظه شد؛ طرح آزادی ایران که بربال های رفراندم قرار گرفته متوجه ایرانیان داخل کشور شده است یعنی وزارت امور خارجه آمریکا صلاحیت انجام این کار را برعهده اپوزیسیون داخل ایران گذاشته بود.

****** در اجرای طرح مزبور آقایان محسن سازگارا، علی عطری، خانم مهرانگیزکار، محمد ملکی، ناصر زرافشان - اکبر عطری - رضادلیری و عبدالله مومنی که همه آنان از فعالان جبهه دانشجویی درشورش پنجاه و هفت بودند و برخی از آنها در ایران و برخی در خارج از کشور بودند به اضافه آقایان داریوش همایون، داداش پور و شاهین فاطمی مشارکت فعال داشتند و انتخاب و همکاری همه آنها دقیقاً با متن قانون آزادی ایران هماهنگ بوده است.

****** جریان بالا و باتوجه به میزان گستردگی طرح رفراندم ۶۰ میلیونی که معروف به طرح سازگارا شد، نشان میدهد که فعالیت های سیاسی ایرانیان (منهای فعالیت های سلطنت طلبی) ابتدا در وزارت خارجه آمریکا برنامه ریزی میشود و بودجه ای هم برای آن تعیین میگردد و بعد شروع میشود درست ضرب المثل (بی مایه فطیر است).

این مورد قیاسی است که میتوان از دریچه هائی دید که فعالیت های سیاسی بی ریشه ای که یکباره سر در میآورد مانند نامه هشدار و یا همین تظاهرات هفتم می و یا بازی با قانون اساسی درکنگره آمریکا طرح هائی است که قبلاً بودجه و برنامه آن در وزارت خارجه و سازمان های اطلاعاتی آمریکا و یا جمهوری اسلامی بتصویب رسیده است.

****** تنها قانون آزادی ایران نیست که به مجرد تصویب و تعیین بودجه، فعالیت رفراندم ۶۰ میلیون دات کام آغاز شد، قبل از آنها در همان سال بنوشته کیهان لندن شماره ۴۱۷ فراخونی بنام جنبش ملی ایران با مشارکت داریوش همایون - منوچهر گنجی - داداش پور با امضای ۸۵ نفر براه افتاد از اعتبار ۵۰ میلیون دلاری که در سال ۱۹۶۱ بوسیله آقای سناتور سام براون بک، از جمهوریخواهان بتصویب کنگره رسید جان گرفت.

(روزنامه دیلی تلگراف مشروح درسنگر ۴۱۶+۳۳۲)

نقش نشادر

اگر آمریکائی ها بودجه ای برای کمک به فعالین حقوق بشری و رسانه های تصویری مقرر نمیکردند میشد با وقار و اطمینان گفت که صدائی ازدمکراسی و حقوق بشر دربین بخشی از ایرانیان خارج از کشور نبود پول آمریکا نقش نشادر تند و تیزی را بازی کرده است.

حزب مشروطه در همان سال ۱۳۸۳ اعلامیه ای داد، ایرانیان را برای همکاری برای جلوگیری از پیامد های خطرناک جمهوری اسلامی از دسترسی به سلاح هسته ای دعوت کرد.

همان زمان ایجاد تعجب شد که ایرانیان خارج از کشور آنهم حزب مشروطه که عددی و کسی نیست چگونه میتوانند در جلوگیری از فعالیت هسته ای ایران مفید واقع شود ولی اشاره طرح آزادی ایران به شمول منابع مالی آن طرح نشان داد که حزب مشروطه بوی نشادر را شنیده بود.

(مشروح درسنگر ۳۳۲+۴۱۳)

مهمترین هدف

در قانون طرح آزادی ایران محور طرح بر فراندانم قرار گرفته بود که در حقیقت بهترین وسیله ایجاد مقبولیت نسبت به موضوعات است، در کمال تاسف به امضای اعلیحضرت و علیاحضرت و حتی والاحضرت علیرضا هم رسیده بود.

***** ماهیت این فراخوان با آنکه با تغییراتی مواجه و اصولا با شکست مفتضحانه ای روبرو شد؛ معهدا**
 آن شیطنت خاصی که در آن جاسازی شده بود از منظر فکری و عقلی ما طرفداران نظام پادشاهی و قانون اساسی ۱۹۰۶ و متمم آن در آن سالها بدور ماند و متوجه نشدیم که ماهیت فراخوان مزبور که به امضای حتی والاحضرت علیرضا هم رسیده است چیست و خود نشریه سنگر هم از این غفلت بی بهره نبوده است و در باب ماهیت فراخوان ایراداتی داشت که هیچیک ارتباطی با ماهیت و علت پشت پرده تدارک طرح فراخوان نداشت. محور اصلی ایراد سنگر به آن این بود که رژیم سلطنتی بطور کلی قابل ارجاع به همه پرسی نیست و یک نظام تداومی است، و یا اینکه در طرح فراخوان به براندازی جمهوری اسلامی اشاره ای نشده و اعتراضاتی در همین حدود و مسائل در حالیکه یکی از مهمترین و **محرمانه** ترین اهداف فراخوان ها بی اعتبار کردن همان اصل تداوم سلطنت ایران بود که طرح هنری پرشت در فکرجانداختن آن بود و چون آن فکرفاقد مشروعیت حقوقی و سنتی بود وزارت خارجه آمریکا میخواست از طریق طرح فراخوان ۶۰ میلیونی به آن مقبولیتی بدهد که جانشین مشروعیت بشود.

طرفداران سلطنت، در آن زمان هرگز فکر نکردند که به چه مناسبتی والاحضرت علیرضا که نامی در فعالیت های سیاسی نداشت در کنار نام اعلیحضرت و علیاحضرت در طرح فراخوان آماده است، در حالیکه از آنجا که طرح فراخوان شمولی بر منع و محکوم ساختن تداوم سلطنت ایران داشت و والاحضرت علیرضا هم بعنوان ولیعهد اعلیحضرت رضایه لوی معرفی شده بود امضای ایشان هم در کنار نام اعلیحضرت به طرح هنری پرشت اعتبار زیادی حتی در حد احتمالات میداد.

موفقیت! طرح فراخوان ۶۰ میلیونی

گرچه طرح فراخوان ۶۰ میلیونی با افتضاح بزرگی مواجه شد که پس از ۴ ماه فعالیت تنها ۳۹،۰۰۰ امضا آنهم از نوع اینترنتی که نمیتوان اعتباری به آن داد متوقف شد، معهذاً بدون دستاورد برای طرح هنری پرشت نبود و آن تأیید و حمایت جدی اعلیحضرت از فراخوان یعنی ایجاد مقبولیت برای محکوم کردن اصل تداوم سلطنت و انتقال آن به اعلیحضرت بود.

اشاراتی از بسیار

سرانجام آفتاب آزادی و حقوق بشر بار دیگر در آسمان مبارزات مردم ایران درخشیدن گرفت و فراندم بعنوان یک اصل راهنمایی یک مبارزه ملی ازسوی جمعی از هموطنان میهنان در داخل کشور پذیرفته شد (به قانون آزادی ایران رجوع شود) و وظیفه ملی و میهنی هرا ایرانی آزاده و وطن دوست است که در این مسیر باتمام توان به یاری مبارزان آزادیخواه بشتابند

(بند دوم بیانیه اعلیحضرت - بیانیه ۱۸ دیماه ۱۳۸۳)

در عرض این ۲۵ سال تابه امروزه این شکلی که اکنون نمایان شده **الترناتیوی ملموس و منطقی و باور پذیر** از دید جهانیان در ارتباط با تحولات کشور ما نبوده است، این الان پیش آمده ضمناً فراموش نکنید کسانی که این فراخوان را داده اند اگر مثل بنده و شما در محیط لوس آنجلس بودند قطعاً جور دیگری عمل میکردند. بیائید در این کار شرکت کنید به شهادت آنان به روشنفکری آنان و آن جرات و آن عمق و بلوغ سیاسی که از خودشان نشان دادند و انتظاری هم نداشتند پس بیائید و کمک کنید

(از سخنرانی اعلیحضرت در رابطه با فراخوا)

فشار فراخوان

اسناد سیاسی سال ۳۸ که فشاریازی فراخوان ها را حکایت میکند نشان میدهد که بیشترین صحبت ها در جهت تأیید فراخوان متاسفانه ازسوی اعلیحضرت بوده است که بخشهایی از آن بیانات درسنگرهای همان سال ۸۲ آمده است، و با همه این احوال و ادعای آقای سیاوش آذری که ۷۰ میلیون امضا جمع آوری خواهد شد، مجموعاً ۳۹،۰۰۰ امضا آنهم اینترنتی نتیجه ۴ ماه فعالیت و همکاری کیهان لندن و رسانه های گروهی و تصویری لوس آنجلس بود **میدانید چرا فعالیت مزبور متوقف شد؟ چون اعتباری که وزارت خارجه آمریکا تعیین کرده بود ته کشید!** هر فعالیتی که در خارج از ایران با حرارت و تبلیغاتی شروع و بعد از مدتی بکلی خاموش میشود ریشه اش در ته کشیدن و یا متوقف شدن مجرای پول آمریکایی هاست.

سوء برداشت نشود که آن ۱۰ و یا ۶۰ میلیون دلار بدست ایرانیان رسید و خورده شد خیر در این قبیل موارد خود آمریکایی ها خیلی بیشتر از ایرانیان دست بگیر دارند و اساساً این طرح ها باین جهت بتصویب میرسند که تنها راه برای سوء استفاده بی سروصداست.

اثر فراخوان در پهنه مقبولیت اعلیحضرت

در همان سنگرهائی که در ارتباط با فراخوان ۶۰ میلیونی مطلب دارد یک اشاره نسبتاً کافی در مورد عدم تاثیر رفتارند مزبور در فعالیت سیاسی بحق اعلیحضرت معروض گشته است ولی بنظر من آن اشاره کافی نیست و به اعتبار این تحریر که بر اساس مقبولیت تنظیم شده است لازم است استدلال جامع تری محول آن بشود.

مقبولیت افراد که بر پایه قبول استوار است در عمل متوجه تعداد کسانی است که در طرف قبول موضوع قرار میگیرند و در عبارت نتیجه ای، نسبت به یک موضوع و یا دو موضوع متفاوت بایک نتیجه نهائی هم شکل، تعداد نفرات، میزان برتری و اصلت و حقانیت است (نمونه دم دست انتخابات اشخاص).

با استفاده از قاعده مزبور به ارزیابی مقبولیت طرح فراخوان ۶۰ میلیونی که در مفهوم متوجه محکوم ساختن تداوم سلطنت بوده با طرح <امروز فقط اتحاد> که مستقیماً از سوی اعلیحضرت عنوان شد و در آن طرح تعرضی به مسئله تداوم سلطنت نداشت، پرداخته میشود.

****** چند سال قبل از طرح فراخوان دات کام اعلیحضرت طرح <امروز فقط اتحاد> را مطرح فرمودند.

اکنون به استقبال مردم و در عبارت مورد استفاده این تحریر، مقبولیت طرح توجه میکنیم.

<موجب خوشبختی است که پاسخ و واکنش مثبتی که از این پیام گرفته ام بسیار زیاد بوده است؛ سایت من در اینترنت از آن هنگام هر روز بطور متوسط ۲۸،۰۰۰ بار مراجعه داشته و عقاید مرا پذیرفته اند

(سخنرانی اعلیحضرت در انجمن ملی مطبوعات امریکا اول اسفند ۷۹)

موازنه و مقایسه کنید با ۳۹،۰۰۰ امضا ظرف ۴ ماه که عده ای راست یا دروغ به طرح فراخوان ابراز نظر موافق کرده اند.

<ظرف ۴ سال گذشته ۷۰ میلیون پیام روی اینترنت سایت من آمده که بیشترین آنها از ایران بوده است>

(مصاحبه با هیئت تحریریه مجله پولتیک انترناسیونال شماره ۱۰۳)

> و شوقتم به اطلاع هم میهنان برسانم که ظرف ۲ ماه ۳،۲۰۰،۰۰۰ پیام روی سایت من آمده است>

(مصاحبه با رادیو صدای ایران)

دستآورد این تحریر

****** مقبولیتی که هدف از فراخوان دات کام و سایر فراخوان ها بود حاصل نگشت زیرا در مقابل اعتباری

که از ناحیه ایرانیان بوسیله اینترنت به مقبولیت اعلیحضرت داده بودند رقم فرودست و ناچیزی بوده است.

*** مقبولیتی که ایرانیان به اعلیحضرت بوسیله اینترنت داده اند در راستای عقاید پاک و بدور از نفوذ سیاسی طرح هنری پرشت اعلیحضرت بوده است و آنجا که اعلیحضرت میفرمایند <عقاید مرا پذیرفته اند> نشان از همان عقاید سوگند نهم آبان سال ۵۹ است که رفراندام دات کام ویا سایر رفراندام ها برای ناکار و متزلزل ساختن آن براه افتاده بود.

*** در طرح آزادی ایران (که در این تحریریه آن استناد شد) بخشی از ۵۶ میلیون دلار اعتبار وزارت خارجه آمریکا برای کمک به رسانه های ایرانی خارج از کشور تخصیص داده شده است. بد نیست به این اشاره که در همان سال درسنگر ۴۱۳ منعکس شده توجه فرمائید:

<یکی از جراند لوس آنجلس به طنز نوشته است: «اگرچند سالی دیگر از عمر خود تبعیدی ها بگذرد برای هر ۱۰ یا ۲۰ نفر یک تلویزیون ۲۴ ساعته دائر میشود»>
(صفحه ۱۲)

نا تمام